

مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران زن و مرد (محیط پژوهش: مدارس متوسطه شهر خرم آباد)

حسن جعفری، فریبا بابایی، نیلوفر کوگانی

- 1- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- 2- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد
- 3 - کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد

چکیده

تصمیم‌گیری به عنوان وظیفه‌ی اصلی مدیران تمامی سطوح، دارای مدل‌ها و سبک‌های مختلف می‌باشد. پژوهش حاضر بر اساس دیدگاه اسکات و بروس، با هدف بررسی سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران زن و مرد مقطع متوسطه شهرستان خرم‌آباد انجام شد. در این تحقیق از روش پژوهش علی-مقایسه‌ای استفاده شد. جامعه‌ی آماری، کلیه مدیران مدارس متوسطه شهر خرم‌آباد به تعداد 145 نفر بود. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد 107 مدیر به عنوان نمونه‌ی آماری به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردیدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از مقیاس سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری استفاده شد؛ با استفاده از نظر صاحبان فن و متخصصان روایی محتوایی آن تعیین گردید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با 0/93 تعیین گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری لوین و t گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی، شهودی، وابستگی و آنی مدیران مرد و زن تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. ولی بین سبک تصمیم‌گیری اجتنابی مدیران زن و مرد تفاوت معنی‌دار وجود دارد؛ به طوری که میانگین نمرات سبک تصمیم‌گیری اجتنابی مدیران مرد بیشتر از میانگین نمرات مدیران زن است.

واژه‌های کلیدی: سبک تصمیم‌گیری، عقلایی، شهودی، وابستگی، اجتنابی، آنی

مقدمه

زندگی در همه سازمان‌ها از جمله در سازمان‌های آموزشی نیازمند اتخاذ تدابیر و راه‌حل‌های گوناگون و مستمر است. مدیران باید وظایف و کارکردهای گوناگونی را انجام دهند تا بتوانند سازمان خود را هدایت و رهبری کنند (میرکمالی، 1387). بطور کلی تصمیم‌گیری یکی از چالش‌های مدیران در طول زمان می‌باشد زیرا آنان در طول ماموریت سازمانی خود با مسائل و موقعیت‌هایی رو به رو می‌شوند که نیازمند تصمیم‌گیری است تصمیماتی که مدیران در طول انجام ماموریت سازمانی خود اتخاذ می‌کنند عملکرد کارکنان و زندگی آنها را متاثر ساخته و اثر بخشی سازمان را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد لذا آنان باید با وظایف خویش و حوزه کار خود آشنا باشند و خود را در هر لحظه نسبت به اعمال کردار، تصمیمات و رفتار خود پاسخگو ببینند و برای هر اقدام دلیلی و برای هر تصمیم توجیهی معقول داشته باشند (کاجر¹، 2010). با توجه به اینکه نظام آموزشی یکی از مهمترین نظام‌های اجتماعی محسوب می‌گردد و نقش مهمی در تولید علم و تربیت نیروی متخصص کشور دارد، کیفیت تصمیم‌گیری در آن، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است این کیفیت می‌تواند متاثر از عوامل مختلفی از جمله سبک‌های مختلف تصمیم‌گیری مدیران باشد بدیهی است که هرگونه نقص در این زمینه می‌تواند منجر به تصمیمات ضعیفی گردد و در نتیجه تبعات زیانباری برای جامعه داشته باشد. تصمیم‌گیری از اجزای تفکیک ناپذیر مدیریت به شمار می‌آید و در هر وظیفه مدیریت به نحوی جلوه‌گر است در تعیین خط‌مشی‌های سازمان، در تدوین هدف‌ها، طراحی سازمان انتخاب، ارزیابی و در تمامی افعال و اعمال مدیریت، تصمیم‌گیری جز اصلی و رکن اساسی است. تصمیم‌گیری به عنوان اولین وظیفه مدیر در اداره امور سازمان‌ها به قدری مهم است که برخی صاحب‌نظران سازمان را شبکه تصمیم، و مدیریت را عمل تصمیم‌گیری تعریف کرده‌اند (الوانی، 1385). به عنوان نمونه هربرت سایمون² (1947)، تصمیم‌گیری را جوهر اصلی مدیریت می‌داند به نظر وی تصمیم‌گیرنده فردی است که در تقاطع راه‌ها در لحظه انتخاب آماده است که در یکی از مسیرها پا گذارد (الوانی، 1385). هوی و میسکل³ (2008)، نیز تصمیم‌گیری را مسئولیت اصلی همه مدیران می‌دانند و به نظر آنها مدیریت فرایندی است که نه تنها منتهی به اتخاذ تصمیم بلکه منتهی به اجرا نیز می‌شود.

پیتر دراگر⁴ (1954)، بر این باور است که تاکید مدیریت آینده بر فراگرد تصمیم‌گیری و درک این فراگرد می‌باشد. همه مدیران با فراگرد تصمیم‌گیری سر و کار دارند زیرا حرفه آنها چنین اقتضا می‌کند (رابینز، ترجمه پارسایان و اعرابی، 1385). از منظر واگنر و هلنبرگ⁵ (2005)، تصمیم‌گیری به معنی فرایند جمع‌آوری اطلاعات برای ارزیابی گزینه‌ها و انتخاب بهترین

¹-kaucher

²- Herbert simon

³-Hoy&Miskei

⁴-Draker

⁵-wagner &HHollenbeck

آن‌ها برای حل مساله است به طور کلی تصمیم‌گیری به معنای انتخاب یک راهکار از میان دو یا چند گزینه در یک رفتار پیشگیرانه و به منظور حصول به یک هدف یا دستاورد خاص با حداقل مخاطره و ریسک ممکن است (کرونی⁶، 2005). به همین دلیل تصمیم‌گیری هسته مرکزی برنامه‌ریزی راتشکیل می‌دهد لذا برنامه‌ریزی بدون تصمیم‌سازی وجود نخواهد داشت (وینز و کونتز⁷، 1993).

مدیران همواره بنا بر ضرورت شغلی در انجام تمامی وظایف خود با شرایطی مواجهه می‌شوند که لزوم اتخاذ تصمیم از جانب آنان ضروری است به همین دلیل وظیفه تصمیم‌گیری یکی از وظایف مهم و اساسی آنان در فرایندهای سازمانی می‌باشد (مقدم و طهرانی، 1387). البته مدیران تصمیمات خود را به سبک‌های مختلف اتخاذ می‌کنند اما این سبک‌ها در طول زندگی شغلی آنان یکسان نبوده و دگرگون می‌شود سبک تصمیم‌گیری افراد بیانگر الگوی عاداتی است که آنها در هنگام تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌دهند به عبارت دیگر سبک تصمیم‌گیری هر فرد رویکرد شخصیتی او در درک و واکنش به وظیفه تصمیم‌گیری خود است (تئالهم⁸، 2004). در این باره محققان سبک‌های تصمیم‌گیری متفاوتی را ارائه نموده‌اند یکی از این محققان اسکات و بروس (1995)⁹ هستند که پنج سبک تصمیم‌گیری مدیران را که شامل تصمیم‌گیری عقلایی، شهودی، اجتنابی، آنی و وابستگی است را مطرح نموده‌اند و معتقدند این پنج سبک تحت تاثیر ویژگی‌های درونی و شخصیتی افراد است که به عنوان الگو در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

سبک تصمیم‌گیری عقلانی¹⁰؛ در این سبک تصمیم‌گیری فرد از همه راه‌ها مطلع است می‌داند که هر تصمیمی به چه نتیجه‌ای می‌انجامد و می‌تواند نتایج حاصل از تصمیم‌گیری را برحسب اولویت (بیشترین نفع) مرتب و سازماندهی کند تا با استفاده از یک استراتژی بهینه‌سازی حصول به اهداف را به حداکثر رساند (هوی و میسکل، 2008). بنابراین افراد در این سبک تمامی راه‌حل‌های ممکن را تعیین و ارزشیابی نموده و با تعیین عواقب هر یک از این راه‌حل‌ها بهترین راه‌حل را انتخاب می‌کنند. سبک تصمیم‌گیری شهودی¹¹؛ رابینز (2009)، معتقد است که این سبک فرایندی ناخودآگاه تصمیم‌گیری است که در سایه تجربه‌های استنتاج شده به دست می‌آید و مبتنی بر احساسات و یادگیری ضمنی افراد است و الزاما سوای تجزیه و تحلیل معقول عمل نمی‌کند بلکه این دو مکمل یکدیگرند پس در این شیوه تصمیم‌گیرنده از یک رویه نظامند استفاده نمی‌کند و در هنگام اتخاذ تصمیم از تجربه و آگاهی‌های ضمنی خود سود می‌جوید. سبک تصمیم‌گیری وابستگی¹²؛ پارکر و همکاران او (2007)، معتقدند که این سبک بیانگر عدم استقلال فکری و عملی تصمیم‌گیرنده و تکیه بر حمایت‌ها و راهنمایی‌های دیگران در هنگام اتخاذ تصمیم است (مقدم و طهرانی، 1387) و آگاهی‌های دیگران در هنگام این نوع تصمیم‌گیری نقش اساسی دارد

⁶-Korooni

⁷- koontz and weinz

⁸-tanelhom

⁹-scott&Bruce

¹⁰-Rational decision making style

¹¹-Intuitive decision making style

¹²-Deoendent decision making style

(اسکات و بروس، 1995). بنابراین در این شیوه تصمیم گیرنده متکی به عقاید دیگران بوده و نقش منفعلی دارد. سبک تصمیم گیری آنی^{۱۳}؛ بیانگر شرایط اضطراری است که فرد بدون پشتوانه فکری قبلی بلافاصله در کمترین زمان ممکن تصمیم اصلی خود را اتخاذ می‌کند (اسکات و بروس 1995)، البته ممکن است این شیوه تصمیم‌گیری معلول شرایطی باشد که برای مدیر ایجاد می‌شود البته استفاده از این سبک به معنی گرفتن تصمیمات خام و ناپخته نیست زیرا در این شیوه نیز مدیر براساس تجربه و اطلاعاتی که دارد تصمیم‌گیری می‌کند. سبک تصمیم‌گیری اجتنابی^{۱۴}؛ به عقیده پارکر و همکاران (2007)، این سبک به معنی به تعویق انداختن تصمیم‌گیری در هنگام مواجهه با مشکلات و طفره رفتن از واکنش نسبت به مساله رخ داده شده، می‌باشد در این شیوه تصمیم‌گیرنده تمایل دارد که از هر گونه اتخاذ تصمیم اجتناب کرده و تا حد امکان از موقعیت تصمیم‌گیری دوری جوید (مقدم و طهرانی، 1387)، به گونه‌ای که می‌توان گفت افراد از گرفتن تصمیم وحشت داشته و نگران عواقب تصمیم خود می‌باشند. نکته قابل ذکر آن است که تصمیم‌گیری می‌تواند به مثابه مغز و سلسله اعصاب سازمان در نظر گرفته شود و تحت شرایطی می‌تواند موجب رشد و موفقیت سازمان گردد در عین حال بر عکس تحت شرایط دیگری می‌تواند باعث شکست آن گردد به علاوه تصمیمات در سطوح مختلف سازمان به شکل‌های گوناگون گرفته می‌شود برخی تصمیمات راهبردی است که ضرورت دارد تا در اسرع وقت به سرعت پیرامون آن‌ها اتخاذ تصمیم شود برخی دیگر بسیار کوچک و ناچیزند و بیشتر در ارتباط با فعالیت‌های روزانه کاری می‌باشند برخی نیز ممکن است پس از ماه‌ها جمع‌آوری اطلاعات و بررسی آن‌ها و یا در زمان کم و بدون بررسی اتخاذ شود از این رو تصمیمات برحسب میزان اهمیتی که دارند متفاوتند (دفت^{۱۵}، 2001).

با توجه به مطالب گفته شده مدیران آموزشی نقش مهمی در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه بازی می‌کنند مدیران با تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند می‌توانند زندگی معلمان و دانش‌آموزان را تحت تاثیر قرار دهند (ویلسون^{۱۶}، 2010). یافته‌های تحقیقاتی نشان می‌دهند که بسیاری از سازمان‌ها از جمله آموزشی نتایج منفی ناشی از تصمیم‌گیری نادرست روبرو شده‌اند (برنز^{۱۷}، 2008)، لذا با توجه به اینکه موفقیت هر سازمانی تحت تاثیر کیفیت و چگونگی تصمیمات مدیران آن است و یک تصمیم نادرست می‌تواند زیان‌های جبران ناپذیری به بار آورد این پژوهش به دنبال بررسی سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری مدیران زن و مرد می‌باشد. با وجود این که مدیریت زنان در سازمان‌ها و مراکز مختلف دستاوردهای خوبی به همراه داشته است ولی تمایل عمومی در همه‌ی سازمان‌ها به برگزیدگان پذیر مرد معطوف است در این میان آن چه بیش از شایستگی و توانمندی مورد توجه قرار می‌گیرد جنسیت است (غیائی، 1380). اسمیت^{۱۸} (2011)، در پژوهش خود دریافت که بین زنان و مردان در استفاده از سبک شهودی تفاوت معناداری وجود ندارد و نیز بین سبک عقلایی و شهودی رابطه معناداری مشاهده نشد سچوماکر^{۱۹} (2001)، نیز در مطالعه خود دریافت که بین سبک اجتنابی و عقلایی رابطه معناداری وجود دارد، در حالی که

¹³-Spontaneous decision making style

¹⁴-Evoidant decision making style

¹⁵-Deft

¹⁶-willson

¹⁷-Burns

¹⁸-smith

¹⁹-schomaker

در دیگر سبک‌های تصمیم‌گیری این رابطه مشاهده نگردید. همگان از جمله مدیران را متوجه اهمیت سبک‌های مختلف تصمیم‌گیری نماید بدیهی است که این کار نتایج سودمندی را برای آموزش و پرورش می‌آورد زیرا می‌تواند در بهبود کیفیت تصمیمات مدیران نقش داشته و در پیش برد برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی و نهایتاً موفقیت تاثیر بسزایی داشته باشد؛ مضافاً انجام این گونه پژوهش‌ها می‌تواند به غنای پژوهشی در این زمینه بیفزاید همچنین نتایج این گونه پژوهش‌ها نه تنها می‌تواند برای محیط‌های آموزشی بلکه برای سایر سازمان‌های عمومی و دولتی نیز اهمیت بسزایی داشته باشد. به استناد به چارچوب نظری و پیشینه پژوهشی ارائه شده تحقیق حاضر با بررسی مقایسه‌ای سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران زن و مرد مقطع متوسطه شهرستان خرم‌آباد درصدد آزمون سوالات زیر برآمده است.

- 1- آیا بین سبک تصمیم‌گیری «عقلایی» مدیران زن و مرد تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟
- 2- آیا بین سبک تصمیم‌گیری «شهودی» مدیران زن و مرد تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟
- 3- آیا بین سبک تصمیم‌گیری «وابستگی» مدیران زن و مرد تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟
- 4- آیا بین سبک تصمیم‌گیری «آنی» مدیران زن و مرد تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟
- 5- آیا بین سبک تصمیم‌گیری «اجتنابی» مدیران زن و مرد تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟

روش پژوهش

از آنجایی که هدف از پژوهش حاضر، بررسی مقایسه‌ای سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران زن و مرد بوده است، لذا روش پژوهش، از نظر هدف، نظری و از نظر روش گردآوری داده‌ها علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق کلیه مدیران مدارس دخترانه و پسرانه مقطع متوسطه شهر خرم‌آباد به تعداد 145 نفر بود. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران²⁰ استفاده گردید و تعداد 107 نفر به عنوان نمونه آماری به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌های آماری در این تحقیق از مقیاس «سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری (GDMS)²¹» استفاده شد. پایایی این پرسشنامه توسط «زارع و اعراب‌شیبانی»، 0/75 بدست آمده است. در تحقیق حاضر نیز پایایی این پرسشنامه پس از اجرا در بین 30 مدیر، با استفاده از ضریب آلفای کرنباخ محاسبه شد، ضریب آلفای کرنباخ محاسبه شده در این پرسشنامه 0/93 به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بسیار بالای این پرسشنامه است.

²⁰ - Cochran

²¹ - General Decion Making Styl

یافته‌های پژوهش

جدول شماره 1 مشخصه‌های آماری آزمودنی‌ها را بر حسب نمره‌های سبک‌های تصمیم‌گیری به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

جدول (1) میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های سبک‌های تصمیم‌گیری

مرد		زن		سبک تصمیم‌گیری
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
2/61	20/59	2/85	20/35	عقلایی
3/31	18/95	2/39	19/10	شهودی
3/28	16/61	2/85	15/63	وابستگی
3/79	14/54	3/84	13/73	آنی
4/38	13/25	3/36	11/21	اجتنابی

همانطوری که جدول شماره (1) نشان می‌دهد میانگین سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی، شهودی، وابستگی، آنی و اجتنابی در بین پاسخگویان زن به ترتیب 20/35، 19/10، 15/63، 13/73 و 11/21 است و در مقابل در بین پاسخگویان مرد 20/59، 18/95، 16/61، 14/54 و 13/25 می‌باشد که در هر دو گروه میانگین سبک تصمیم‌گیری عقلایی بیشترین مقدار و سبک اجتنابی کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است. جدول شماره (2) مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری (عقلایی، شهودی، وابستگی، آنی و اجتنابی) مدیران زن و مرد.

جدول (2): مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری (عقلایی، شهودی، وابستگی، آنی و اجتنابی) مدیران زن و مرد

آزمون برابری میانگین‌ها			آزمون برابری واریانس‌ها		انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت	سبک تصمیم‌گیری
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	آماره t	سطح معنی‌داری	آماره F					
P=0/652	105	0/453	p=0/626	0/223	2/85	20/35	48	زن	عقلایی
					2/60	20/59	59	مرد	
P=0/786	105	0/272	p=0/055	3/761	2/39	19/10	48	زن	شهودی
					3/31	18/94	59	مرد	
P=0/104	105	1/638	p=0/446	0/585	2/84	15/62	48	زن	وابستگی
					3/28	16/61	59	مرد	
P=0/275	105	1/097	p=0/825	0/049	3/84	13/72	48	زن	آنی
					3/78	14/54	59	مرد	
P=0/009	105	2/662	p=0/086	2/996	3/35	11/20	48	زن	اجتنابی

					4/37	13/25	59	مرد	
--	--	--	--	--	------	-------	----	-----	--

از اطلاعات جدول شماره (2) می توان نتیجه گرفت که بین سبک تصمیم گیری اجتنابی مدیران زن و مرد تفاوت معنی دار وجود دارد. بر این اساس و با توجه به میانگین های محاسبه شده چنین استنباط می شود که میانگین نمرات سبک تصمیم گیری اجتنابی مدیران مرد (13/25)، بیشتر از میانگین نمرات مدیران زن (11/20) است، این در حالی است که بین میانگین نمرات سبک های تصمیم گیری عقلایی، شهودی، وابستگی و آنی مدیران مرد و زن تفاوت معنی دار وجود ندارد ($P>0/05$).

بحث و نتیجه گیری

نتایج بدست آمده نشان داد که بین میانگین نمرات سبک های تصمیم گیری عقلایی، شهودی، وابستگی و آنی مدیران مرد و زن تفاوت معنی دار وجود ندارد. ولی بین سبک تصمیم گیری اجتنابی مدیران زن و مرد تفاوت معنی دار وجود دارد؛ به طوری که میانگین نمرات سبک تصمیم گیری اجتنابی مدیران مرد بیشتر از میانگین نمرات مدیران زن است. این یافته ها با پژوهش های اسمیت (2011)، تامپسون (2010)، حیدری و مرزوقی (1390) همسو است. اسمیت (2011)، در پژوهش خود دریافت که بین زنان و مردان در استفاده از سبک شهودی تفاوت معناری داری وجود ندارد و نیز بین سبک عقلایی و شهودی رابطه معناداری مشاهده نمی شود. تامپسون (2010) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که بین سبک های تصمیم گیری مدیران بر اساس جنسیت آن ها تفاوت معناداری وجود ندارد همچنین کارین²² (2003) در مطالعات خود دریافت که جنسیت در فرایند تصمیم گیری تاثیر معناداری ندارد. همچنین یافته های تحقیق حیدری و مرزوقی (1390)، نشان داد که در هیچ یک از سبک های تصمیم گیری بین مدیران بر اساس جنسیت رشته تحصیلی و سابقه کاری تفاوت معناداری وجود ندارد. یافته های بدست آمده از پژوهش حاضر با یافته های رضازاده (1389)، ناهمسو بوده است. رضازاده (1389)، در پژوهش خود بر روی مدیران دانشگاه فردوسی مشهد انجام داد به این نتایج دست یافت که سبک غالب تصمیم گیری مدیران، عقلایی است و بین سبک تصمیم گیری اجتنابی زنان و مردان رابطه معنی داری وجود دارد. دلایل این ناهم سویی می توانند به خاطر تفاوت در جامعه و نمونه مقامات فرهنگی و اجتماعی افراد می باشد که مورد مطالعه قرار گرفته اند. مدیران در هر سازمانی به ویژه در مدارس اغلب تصمیمات مهمی مواجه می شوند که به طور مستقیم به موفقیت سازمان مربوط می شود در این شرایط، آنان تلاش می کنند که تصمیمات آگاهانه ای اتخاذ کنند یکی از عواملی که می تواند چگونگی این تصمیمات را تحت تاثیر قرار دهد، الگوهای عادی و یا شیوه های تصمیم گیری است مدیران مورد استفاده قرار می دهند. بنابراین سبک های تصمیم گیری آنان می تواند کیفیت تصمیمات و متعاقباً عملکرد کارکنان را تحت تاثیر قرار دهد و نهایتاً بر اثر بخشی سازمان تاثیر بسزایی داشته باشد بنابراین به منظور ارتقا کیفیت تصمیم گیری افراد و بخصوص مدیران پیشنهاد می شود که نمونه هایی از تصمیم گیری های کارآمد و یا ناکارآمد شناسایی و معرفی گردد و عوامل و شرایطی که منجر به اینگونه تصمیمات گردیده است تجزیه و تحلیل شود همچنین دوره های آموزشی تخصصی و در زمینه اصول روش ها و ملاک های تصمیم گیری برگزار گردد

²²-karin

و از نتایج این پژوهش در سازمان‌های دولتی و خصوصی دیگر استفاده شود. همچنین طبق نتایج بدست آمده در این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت با توجه به این که مدیریت در همه‌ی سطوح مدیریت (سرپرستی، میانی، عالی)، نیازمند تصمیم‌گیری عقلایی می‌باشد، و این که در این پژوهش تفاوت معنی‌داری بین این سبک تصمیم‌گیری مدیران مرد و زن مشاهده نشد لذا می‌توان از هر دو گروه در مدیریت استفاده کرد و عامل جنسیت در این مورد تاثیرگذار نیست.

منابع

1. الوانی، سید محمد. (1385). تصمیم‌وشبکه‌های آن، انتشارات تهران.
2. رابینز، (1988)، رفتار سازمانی، مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها، ترجمه‌ی علی پارسایان، مجید اعرابی، 1385، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ هشتم، صص 220-222.
3. رضازاده، س.، 1389، بررسی رابطه‌ای بین هوش و هیجانی و از سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری مدیران، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده روانشناسی و علوم تحقیقات.
4. غیائی، ش.، بررسی و مقایسه مدیران آموزشی زن و مرد، فرهنگ ایلام، پاییز و زمستان 1380، شماره 7.
5. مقدم، الف، طهرانی، م.، 1387، بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری در سازمان‌های بالایی، ژورنال مدیریت عمومی شماره 1.
6. میرکمالی، س.م.، فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان‌های آموزشی، 1371، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، سال اول، شماره 2.
7. Daft R.L.(2001) Essential of organization theory & Design (7th ed) south western: Thomson Learning.
8. Hoy ,K.W.&Miskel G.C. (2008) .Educational Admininstration :Theory Research and practice (8thEd)New York McGraw Hill Inc.
9. Karin K.(2003) Gender influences in decision –making processes in top management teams Management Decision vol.41.Iss :10.pp.1024-1034
10. Kaucher E.(2010) Ethical decision making and effective leadership :Alliant International University.
11. Korooni.L(2005),Relation between egn identity statues and decision-making styles, Journal of counseling psychology,vol37(2),160-168.
12. Parker.A M.,Wandi Burine d. B., Baruch F., 2007 , Maximizers versus Satisficers: Decision–Making Styles, Competence and Outcomes , Judgment and Decision Making, vol. 2, pp 342-344.
13. Schoemaker A.F.(2010).The Relationship between Decision –Making style and Negative in College students :Drexel university.
14. Scott.S.G.&Bruce R.A.(1995) .Decision-making .The development and assessment of a new measure Educational and psychological Measurement 55(5),818-831.

15. Smith .E.(2011).The intuitive style :Relationships with local /global /visual style gender –and superstitious reasoning ;journal of Learning and Individual Differences vol21,pp263-270
16. Thompson T.S(2010) .The impact of locus of control on decision making styles of mid-level managers:capella university.
17. Thunholm p.(2004) .Decision –making style :habit ,style or both?jornal of personality and Individual Differences pp932-933
18. Weinz H,& Koontz H.(1993) .Management :AGlobal perspective Intertional Edition Tenth Edition New York .p.199
19. Wilson V.B.(2010) examing moral reasoning and ethical decision making among Mississippi's community college administrators :Mississippi university.